

ترفندشناسی جریان‌های انحرافی در مقابله با فرهنگ مهدوی

حجت‌حیدری چراتی^۱

چکیده

بهره‌مندی از لذت‌های دنیایی و سوءاستفاده از ناآگاهی‌ها، همواره ارزش‌ها و باورهای یک جامعه را تهدید کرده و به سوی انحراف کشانده، زمینه‌ساز افکار مضر انحرافی می‌شود. اقدامات صحیح و مناسب، جامعه را از گرفتاری در دام فرقه‌های انحرافی و جریان‌ات مخل در درون جامعه دینی نجات می‌دهد؛ از این رو، برای مقابله با ترفندهای انحرافی ضروری است فرهنگ مهدوی را بشناسیم و ضمن ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه، راهکارهایی بیندیشیم تا اصالت مهدویت محفوظ بماند.

مقاله پیش‌رو به مهم‌ترین این ترفندها پرداخته و از حیث زمانی، تمام ادوار مطرح در مسئله مهدویت را دربرداشته و از لحاظ مکانی، ممالک اسلامی را در نظر داشته است. براساس یافته‌ها، استفاده از غلیان احساسی افراد و سوءاستفاده از ناآگاهی‌ها، زمینه مناسبی برای تهمت‌ها و افتراها و رواج شبهات و شایعات و تأویل‌های انحرافی متون مهدوی را فراهم آورده است. این جستار با روش توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری مطالب، به‌صورت کتابخانه‌ای به مطالعه اسناد و مدارک پرداخته است.

واژگان کلیدی: مهدویت، جریان انحرافی، ترفند، فرهنگ.

مهدویت از دیرباز، باوری اصیل در میان باورمندان اسلامی بوده و جایگاه مهمی داشته است؛ از این رو همانند بسیاری از اندیشه‌های باورمحور در طول تاریخ به جهت عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی دچار تطور و تحول و فراز و فرود تاریخی شده است. جریان‌های انحرافی با بهره‌گیری از مسائل معنوی و مؤلفه‌های مهدویت، ترفندهای گسترده شبه‌معنوی برای جذب مردم داشته‌اند. این پژوهش در نظر دارد، به بیان بخشی از مهم‌ترین و شایع‌ترین ترفندهای انحرافی در زمینه مؤلفه‌های مهدوی بپردازد، تا بتواند با روشنگری و ایجاد زمینه‌های آگاهی‌بخشی گامی در جهت حفظ و نگهداری از فرهنگ مهدوی بردارد. در همین راستا به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات بوده است: آسیب‌ها و چالش‌های جریان‌های انحرافی در مقابله با فرهنگ مهدوی چیست؟ چگونه می‌تواند در برابر ترفندهای جریان‌های انحرافی ایستادگی کرد؟ چگونه باید موانع فرهنگ‌سازی برای ایجاد جامعه مهدوی را برطرف نمود؟ فرضیه مطرح شده در این پژوهش، این است که ترفندهای جریان‌های انحرافی در ایجاد موانع و جلوگیری از به ثمر نشستن کامل فرهنگ مهدوی، رابطه همگن دارد.

ضرورت انجام این نوشتار این است که حوزه مهدویت در ابتدای امر، یک باور اعتقادی و یک اندیشه دینی در میان مسلمانان بوده است و در این فرایند، با مواجهه این اندیشه با انظار و افکار مختلف گروه‌ها و با پیدایش پرسش‌ها و شبهات گوناگون افراد، ناگزیر ترفندهایی به وجود آمدند که حاصل آن، جریان‌های انحرافی هستند. جامعه‌ای که دارای آرمان‌های مهدوی بوده و در تلاش است فرهنگ مهدوی را در بستر عام جامعه تا رسوخ در اذهان خواص و نخبگان پی بگیرد، شایسته است از موانع ایجاد شده اطلاع داشته باشد، تا با برنامه‌ریزی‌های مؤثر، فرهنگ غنی مهدوی را در جامعه نهادینه سازد.

شناخت اهداف و برنامه‌های جریان‌های انحرافی بر ضد مبانی مهدوی، ضروری است، تا از این طریق، موانع را شناسایی کرده، برای رفع آن‌ها اقدام شود. هدف از این نوشتار نیز تحلیل و بررسی ترفندهای جریان‌های انحرافی در راستای مقابله با فرهنگ مهدوی است.

مفاهیم نظری

تعریف واژه‌های مورد تحقیق در نوشتار حاضر برای روشن شدن بحث، یکی از ملزومات مقاله است، بدین منظور برآنیم کلماتی که پایه و اساس مقاله هستند و در روشن شدن منظور محقق نقش دارند را

در جملاتی مختصر معرفی کنیم که عبارتند از:

فرهنگ مهدویت: فرهنگ مهدویت عبارت است از مجموعه باورها، اندیشه‌ها و اصول اعتقادات مرتبط با امام مهدی علیه السلام و ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهای مرتبط^۱.

جریان‌های انحرافی: جریان‌های انحرافی با بهره‌گیری از مسائل معنوی و مؤلفه‌های مهدویت، ترفندهای گسترده شبه معنوی برای جذب مردم داشته‌اند. سوء استفاده از منابع و متون دینی و مهدوی و به کار بردن ترفندهای مختلف فرهنگی و اجتماعی از شاخصه‌های دشمنان و فرصت‌طلبان است؛ مجموعه این گروه‌های منسجم و سازمان‌یافته را جریان‌های انحرافی می‌نامیم.

شگردهای مدعیان در جذب افراد

مدعیان دروغین مهدویت، فرق و... در ابتدای شروع فعالیت‌ها به صورت فردی عمل می‌کردند؛ اما امروزه شاهد هستیم، به صورت گروهی به فعالیت خود حالت سازمانی داده‌اند، تا به صورت منسجم‌تر و با ضریب خطای پایین‌تر بتوانند به اهداف خود دست یابند و این زنگ خطری جدی برای جامعه اسلامی است و هوشیاری بیشتری را از سوی دلسوزان و کارشناسان برای مقابله با این جریان‌های انحرافی می‌طلبد. این گروه‌های انحرافی، به شدت در حال بررسی و مطالعه منابع دینی و عقیدتی شیعه در موضوعاتی مانند مهدویت هستند. حرکت مذکور، بیانگر این حقیقت است که دشمنان برای ضربه زدن به مقدسات، دست به هرکاری می‌زنند. در نتیجه این فعالیت‌ها، آسیب‌ها و چالش‌هایی ایجاد می‌شود که به چندی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نجات از عذاب الهی

در میان مهم‌ترین ترفندهایی که با سوء استفاده از زمینه‌سازی ظهور اتفاق می‌افتد، این است که مدعیان، فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را همان وعده الهی معرفی کنند که در صورت نپیوستن به آن، عذاب الهی در انتظار مردم خواهد بود؛ در این صورت مردم و پیروان آن‌ها چنین تصور می‌کنند که هرچه سریع‌تر باید آموزه‌های وی عملی شود، تا از خطر حتمی نجات یابند. این تهدید به دلیل احساسی کردن فضا، فرصت دقت و تأمل در ادله مدعیان را از اذهان عمومی می‌گیرد. در واقع، حقیقت در این فرقه‌ها، نبود دلایل اقناع‌کننده و مستندات لازم برای ادعاهایشان است. با این ترفند، اذهان

۱. عظیمی، درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن، ص ۱۵۵.

عمومی به سمت مسائل احساسی منحرف می‌شود؛ برای نمونه در گفتار احمد اسماعیل بصری (مدعی یمانی)، این ترفند را می‌توان در قالب شش مرحله تبیین کرد:
اول. بر اساس آیات قرآن، نزول عذاب الهی اتفاق نمی‌افتد، تا زمانی که از جانب خداوند فرستاده‌ای بیاید؛^۱

دوم. نزول این عذاب حتمی است؛ سوم. نشانه‌های این عذاب، در حال تحقق است و در قالب همین نشانه‌های ظهور اتفاق می‌افتد؛ مانند زلزله‌ها، آتشفشان‌ها و دیگر حوادث طبیعی؛^۲ چهارم. حجت الهی که همان یمانی است با نشانه‌های حجت الهی (ظهور) تطبیق می‌کند و در همین راستا قیام سه نفر، یعنی خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال، در یک ماه و در یک روز واحد است.

پنجم. هدایت کننده‌ترین پرچم، پرچم یمانی است. او به حق هدایت می‌کند؛^۳ ششم. یمانی هم دارای نشانه‌هایی مانند وصیت و پرچم است که احمد الحسن حامل این وصیت و نجات مردم از عذاب است.^۴

برای فرهنگ‌سازی در راستای زمینه‌سازی و یا نهادینه‌کردن آموزه‌های مهدویت نیاز است نهادها یا مراکز موظف در جهت آگاهی دادن به طبقات عام و خاص جامعه، مسیر را به سمت تخصص‌گرایی پیش ببرند؛ به گونه‌ای که افراد مختلف با سلايق متفاوت بتوانند به ایشان مراجعه کرده، از گرفتاری در دام چنین ادعاها و فرقه‌هایی جلوگیری کنند. از جمله حوزه‌های علمیه با تعریف برنامه‌های جامع برای طلاب مشتاق به مباحث مهدویت به صورت عمیق از نظر علمی و عملی، تقویت و از ظرفیت آنان استفاده کند.

۱. «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» سوره اسراء، آیه ۱۵.
۲. به طور خاص، برای تطبیق نشانه‌های ظهور و حوادث طبیعی می‌توان به آتشفشان سال ۲۰۱۰ ایسلند اشاره کرد که دود فراوانی به پا کرد و ادعا کردند نام احمد بر اثر آن دود ایجاد شد و این همان نشانه مهم ظهور است که در آیه با عنوان «فار التنور» ذکر شده است: (سوره هود، آیه ۴۰) و نتیجه، آن است که اگر به مدعی یمانی نپیوندید، نشانه‌های عذاب الهی ظاهر و همگی دچار عذاب می‌شوند.

۳. بصری، ادله جامع یمانی، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۴۹.

یکی از آسیب‌ها و چالش‌ها، مراجعه خودجوش این دسته از طلاب به قرآن و روایات برای ارتقای سطح دانش خود در حوزه مهدویت می‌باشد؛ در حالی که تفسیر قرآن و فهم حدیث، نیازمند علوم خاصی است و افرادی که آگاهی لازم در این زمینه را ندارند، اگر به سراغ آن بروند به اشتباه می‌افتند. از طرف دیگر، طرح روایاتی از جانب فرقه‌ها که در کتب روایی مطرح شده‌اند، ولی از طرف متخصصان به آن پرداخته نشده است، عاملی برای سوءاستفاده رهبران فرقه‌ها شده و به دلیل ناشناخته بودن اصل و منظور روایت، در پوسته‌ای از حقیقت برای اثبات حقانیت به نمایش درآورده می‌شود.

۲. حذف موانع روشنگری

مسئله عامل مهم حفظ مردم از انحرافات اعتقادی و آسیب‌های مختلف فرهنگی، کسانی هستند که هم توان علمی آن را دارند و هم از نظر صلاحیت‌های معنوی و اخلاقی، مقدم هستند که این خصوصیات در عالمان اسلامی واجد شرایط جمع می‌شود. امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

اگر بعد از غیبت قائم ما، علمایی که به سوی او [مردم را فرا] می‌خوانند و به وجود او رهنمون می‌شوند و با حجت‌های الهی از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان خدا را از دام ابلیس و پیروان او می‌رهانند، وجود نداشتند، بی‌گمان همه مردم، از دین خدا برمی‌گشتند.^۱

مدعیان برای تزریق عقاید انحرافی به فرهنگ عمومی، باید موانع را حذف کنند؛ از این رو برای رد جایگاه عالمان، به روایاتی تمسک می‌کنند که در آن فقهای آخرالزمان را بدترین فقها و عالمان معرفی نموده‌اند.^۲ بله، این روایات در منابع ما وجود دارد؛ اما:

اولاً، بعضی روایات از جهت سند ضعیفند؛ ثانیاً، بعضی شامل علمای غیر شیعه‌اند؛ ثالثاً، در مورد علمای غیر عامل و فاسدند؛ رابعاً، این در حالی است که در روایات مکرر، مردم در دوران غیبت به عالمان واجد شرایط ارجاع داده شده‌اند. وجود برخی عالمان فاسد دلیل نمی‌شود که از علم و علما فاصله بگیریم و به سمت جهل و انحراف قدم برداریم.

نکته دیگر آنکه بیشتر این روایات در مورد علمای سوء غیرشیعی است که با فتاوای غیرعلمی و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ يَسْمُونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ غَامِرَةٌ وَ هِيَ خَزَابٌ مِنَ الْهَدَى فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرُفُ فُقَهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتْ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۷).

موضوع‌گیری‌های انحرافی هم‌جهت با طواغیت و دشمنان اسلام حرکت می‌کنند. این ترفند، یکی از مهم‌ترین اشتراکات جریان‌های انحرافی است تا بتوانند بستر پذیرش ادعای خود را فراهم کنند؛^۱ برای یک نمونه در جریان بهائیت، حسینعلی نوری (مؤسس بهائیت)، فقط در یک اقدام، حاج محمدباقر و فرزند او، آقا نجفی (از علمای زمان خود) را گرو و گروگ زاده خواند؛ در حالی که این عالمان برخلاف رویکرد استعمارپسند بهائیان، در برابر حملات قشون عثمانی ایستادند و در ترویج کالاهای داخلی از طریق شرکت‌هایی مانند شرکت اسلامیة نقش داشتند و همواره در راه حقوق مردم (مانند توفیق اصل مشروطه)^۲ استقلال کشور و ترویج علم و فرهنگ (تأسیس و حمایت از مدارس جدید) نقش مستقیم داشتند.^۳

نمونه دیگر در فعالیت‌های جریان موسوم به تشیع انگلیسی دیده می‌شود که در شبکه‌های رسانه‌ای آن‌ها به تخریب عالمان و مجتهدان و مراجع تقلید می‌پردازند؛ از جمله، تشکیل حکومت اسلامی (که حاصل چندین قرن مجاهدت عالمان و شهیدان است) را تحقق اهداف کمونیستی و وهابی می‌دانند؛ اما فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه خود (مثل ترویج هفته برائت در برابر هفته وحدت) که باعث تحریک مذاهب می‌شود را هدایتگری و روشنگری جلوه می‌دهند.^۴

برای مقابله با این آسیب و برای تقویت فرهنگ مهدوی، نیاز است کارگزاران امر مهدویت با درایت، به ساده کردن امور و علوم در میان عامه مردم و تخصص‌گرایی در بین خواص جامعه علمی بپردازند و برای رجوع آسان‌تر افراد مشتاق، اساتید در دسترس باشند و در مراکز معنوی همچون مساجد یا اماکن

۱. مانند فعالیت‌های جریان احمد اسماعیل (مدعی یمانی) در رد کردن عالمان دوره آخرالزمان. ر.ک: دو جلد کتاب به نام العجل، نوشته احمد اسماعیل بصری در رد عالمان با تشبیه جریان عالمان به سامری و گوساله مصنوع وی.

۲. نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، ص ۱۹۰؛ راین، فراموشخانه، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. ابوالحسنی منذر، تأسیس شرکت اسلامیة، کیهان، شماره ۱۸۸۶۰.

۴. ر.ک:

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=video&cd=3&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKewjgl9vytOTmAhWStHEKHZQqBDgQtwIILzAC&url=https://3A/2F/2Fwww.youtube.com/2Fwatch/3Fv/3DyBMsIdFKj20&usg=AOvVaw1-RZ1bNtvi1G4i25xatFgh>

و نیز: اسحاقیان و حیدری چراتی، «تشیع انگلیسی را با این صفات بشناسیم»، خبرگزاری فارس.

<https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=video&cd=3&cad=rja&uact=8&ved=0ahUKewjgl9vytOTmAhWStHEKHZQqBDgQtwIILzAC&url=https://3A/2F/2Fwww.youtube.com/2Fwatch/3Fv/3DyBMsIdFKj20&usg=AOvVaw1-RZ1bNtvi1G4i25xatFgh>

متبرک، جایگاهی برای این امر در نظر گرفته شود. در غیر این صورت، باید میدان روشنگری مهدویت، جولانگاه فرقه‌های انحرافی باشد و آموزه‌های اصیل با جعلیات و خرافه‌های دشمنان دینی محاصره شود.

۳. استفاده از عرفان‌های جعلی

گرایش به معنویت و عالم غیب، یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ مهدوی است. در آیاتی از قرآن، ایمان به غیب مورد تأکید واقع می‌شود و از مصادیق غیب، امام زمان علیه السلام معرفی شده است؛^۱ اما معنویت حقیقی مؤلفه‌های خاص خود را دارد؛ مانند مبانی فکری صحیح، ایمان و عمل بر اساس اجتهاد دینی. با این حال در جریان‌های انحرافی، معنویت را به دسترسی به برخی از ظواهر معنوی (آن هم به شکل ادعایی) خلاصه می‌کنند؛ مثل ادعای دسترسی به عالم غیب و نیز ملاقات با امام زمان علیه السلام و کسب مأموریت از ایشان.

این رویکرد باعث بروز انحرافات متعددی می‌شود؛ مثلاً در جریان‌هایی مانند قادیانی، ابطحی و یعقوبی، آموزه‌های خود را منتسب به علوم غیبی و معلم معنوی غیبی می‌نمایند؛^۲ برای نمونه غلام احمد قادیانی (مؤسس فرقه) از احمد بیگ (یکی از اقوامش) خواست که دختر جوان خود را به ازدواج وی درآورد (با آنکه غلام احمد اختلاف سنی چند برابری با آن دختر داشت) و ادعا کرد این وعده الهی و غیبی است که با آن دختر ازدواج خواهد کرد. پس از مدتی آن دختر با دیگری ازدواج کرد و باز غلام احمد ادعا کرد از عالم غیب خبر می‌دهد که آن شوهر خواهد مرد، البته گذر زمان هم نشان داد همه این ادعاها دروغ بوده است.^۳

یکی از نتایج این ترفند، سوق دادن مردم به ملاقات‌گرایی در بحث مهدویت و ایجاد چالش

۱. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «هر کس به ظهور امام زمان اقرار کند، ایمان به غیب آورده است. متقین در این آیه شریف، شیعیان علی هستند و «غیب» حجت غایب است. دلیل این معنا، آیه «فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین؛ ای پیغمبر، بگو غیب مال خداست پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم» است (سوره یونس، آیه ۲۰). در این آیه، گروهی دیگر از مفسران، حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق «یؤمنون بالغیب» دانسته، یکی از ویژگی‌های آن حضرت را غایب قلمداد کرده‌اند (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷).

۲. ر.ک: یعقوبی، سلسله بحث‌های به سوی ظهور و نظام عالم؛ اسحاقیان، اشباح انحراف؛ طاهری مؤسس عرفان کیهانی، نتیجه امواج تهاجم علیه هوشمندی مثبت الهی، فصل اول.

۳. اسحاقیان درجه، پیچک انحراف، ص ۹۶-۹۷.

افسانه‌گرایی در این موضوع می‌شود و در اثر آن، اصل مهدویت نیز در افکار عمومی مخدوش می‌شود. البته اصل امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام امری است که دلایل خود را دارد. گزارش‌های فراوانی در کتاب‌های مختلف وجود دارد که افرادی از عالمان فرهیخته تا انسان‌های معمولی، امام را مشاهده کرده‌اند و حتی برخی از آن‌ها موفق به گفت‌وگو با آن حضرت شده‌اند. این گزارش‌ها آن قدر فراوانند که چند تن از علمای شیعه همچون شیخ حر عاملی، سید عبدالله شبر و آیت‌الله صافی گلپایگانی در مورد آن ادعای تواتر را مطرح کرده‌اند. افزون بر اینکه گاه گزارشگران، عالمان موثق و بزرگ و مشهورند.^۱

مهم این است که جریان‌های انحرافی با ادعاهای بدون دلیل و اغراق‌آمیز، وارد این عرصه شده‌اند و مهم‌تر اینکه به دنبال ادعای ملاقات، دریافت مأموریت، حقانیت فرقه خود و تصمیمات و آثار خود را به این ملاقات پیوند زده‌اند.

از راهکارهای درمانی در برابر عرفان‌های جعلی همچون عرفان حلقه، رونمایی از انواع آن‌ها و معرفی رهبران آن‌ها می‌باشد؛ زیرا مخفی نگه داشتن این امور از آسیب‌های جدی بر افکار و انتخاب‌های افراد جامعه است؛ بالعکس با مطرح کردن موازین آن‌ها و به نقد و بررسی گذاشتن خرافه‌های موجود در آموزه‌هایشان، یکی از بهترین راه‌های مقابله در برابر چالش‌های عرفان حلقه می‌باشد.

۴. کرامت‌سازی

اصل وجود کرامات و خوارق عادات، علاوه بر معصومان علیهم السلام در سطوح پایین‌تر، در مورد برخی عالمان و عارفان حقیقی اتفاق افتاده است؛ اما در سیر تاریخی فرقه‌ها و گروه‌هایی مانند صوفیه از چنین مسأله‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین ترفندها برای جذب عوام استفاده کرده‌اند. گاهی نقل این کرامات حتی از سادگی و حقیقت‌مانندی، به اغراق می‌گراید؛^۲ به گونه‌ای که جای هیچ توجیهی در آن باقی نمی‌ماند^۳ این ادعاها در قالب‌های متعدد بوده است؛

۱. محمدی ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۸۳.

۲. رک: منصور کیانی، عارف‌سازی و معرفت‌سوزی.

۳. قربانیور آرانی و حیدری رامشه، از کرامات تا خرافات (با تأکید بر اسرار التوحید و مقامات ژنده‌پیل)، مجله ادیان و عرفان، دوره ۴۷، شماره ۲.

مانند خیر از آینده، تسلط بر عالم تکوین،^۱ شفادهی همه بیماری‌ها؛^۲ برای نمونه، علی یعقوبی در ادعایی چنین مطرح کرده است: «معلم غیبی به من گفته تو اولین کسی هستی که وقت ظهور می‌رسی؛ پس من وقت ظهور، قبل از امیرالمؤمنین علیه السلام (برای تحقق بسترهای ظهور امام زمان، و به عنوان رجعت کننده) خواهم آمد و در آنجا قبل از این که حضرت امیر رجعت کنند، من هستم و به شما (اعضای جلسه و پیروان و مردم دیگر) می‌گویم که چرا فلان جا این کار را کردی؟» (یعنی از افعال شما به صورت غیبی مطلعم و در دوره ظهور و رجعت، از مردم بازخواست می‌کنم).^۳

یکی از علل اصلی تأثیرگذاری و رشد مدعیان دروغین مهدویت، جهل مردم است. بی تردید می‌توان جهل و نادانی را یکی از عوامل اصلی همه انحرافات در تاریخ اسلام دانست. بسیاری از افرادی که در دام چنین مدعیانی گرفتار می‌شوند، در حقیقت جویندگان آب هستند؛ اما چون آب واقعی را ندیده و نشناخته‌اند، به دنبال سراب راه افتاده‌اند و با نظاره کردن برخی کرامات جعلی و ساختگی، شیفته و واله مدعیان می‌شوند؛ از این رو، به هوش بودن متولیان فرهنگ‌سازی مهدویت و معرفی صحیح کرامت و معجزه می‌تواند از به دام افتادن افراد بدون اطلاع و ایجاد هزینه‌های روانی جبران‌ناپذیر جلوگیری کند.

۵. ارجاع به منابع دروغین و غیر معتبر

مدعیان در اثبات ادعاهای خود یک روش مشترک به نام جعل، تقطیع و تحریف نیز در استفاده از روایات دارند. در جریان مدعی‌یمانی به دو کتاب «مئتان و خمسون علامه»^۴ و «المفاجاة»^۵ استناد کرده‌اند که مطالب این کتب، ریشه تاریخی و روایی درست ندارد و جعل حدیث در آن اتفاق افتاده است.^۶ این نوع از ناآگاهی‌ها گاهی حتی در سطوح بالای علمی نیز قابل مشاهده است. این نوع از ارجاعات به نوعی عوام‌فریبی به حساب می‌آید؛ زیرا عوام‌فریبی به این معناست که شخصی به جای استدلال و اقامه برهان، برای اثبات یک عقیده، سعی می‌کند از راه تحریک احساسات و هیجان‌های

۱. رک: زندگی نامه شیخ احمد احسائی، اثری از فرزند وی عبدالله. ارتباط مداوم با تمام ائمه علیهم السلام و دریافت مأموریت از طریق عالم غیب و علوم خاص الهی، از جمله دعای رهبر شیخیه است.

۲. رک: اسحاقیان، پیچک انحراف، مرکز تخصصی مهدویت.

۳. یعقوبی، چهل شب با کاروان حسینی، سخنان شب اربعین، ۱۳۸۰/۲/۲۳.

۴. محمدعلی حسینی طباطبایی.

۵. محمد عیسی داود.

۶. رک: شهبازیان، ره افسانه، ص ۳۵ و ۳۹.

جمعی تکیه بر عواطف و جو حاکم، نوعی اقبال عمومی نسبت به نتیجه مطلوب خود به دست آورد. شخص عوام فریب در صدد است به دیگران القا کند اگر سخنان او را نپذیرند، گویی با جمع مخالفت کرده‌اند. در عوام‌فریبی، شخص گروه زیادی از مردم را مخاطب قرار داده و با بیاناتی هیجان‌آور و شورانگیز، احساسات و عواطف آنان را تحریک می‌کند. در عوام‌فریبی، مطلب چنان به فرد القا می‌شود که می‌پندارد همه اطرافیان آن را پذیرفته‌اند و نپذیرفتن آن، جا ماندن از کاروان است.^۱

جریان یمانی به متنی استناد می‌کند که چنین است: پیامبر ﷺ فرمود: «پادشاهی در عربستان می‌آید که نامش اسم حیوانی است. مانند ملک فهد... از دور که نگاهش کنیم، در چشمش لوجی می‌بینی». پس پیامبر ﷺ به ملک فهد اشاره می‌کند، بعد می‌گوید: «این ملک فهد برادری دارد به نام عبدالله و وای بر شیعیان ما از دست ملک عبدالله. هر کس مرگ عبدالله را به من بشارت دهد، من هم بشارت ظهور را به او می‌دهم». این تصور و پیش‌گویی نزد عوام شیعه هم امری مشهور و مقبول تلقی شده است؛ اما این حدیث جعلی است و در هیچ مصدر حدیثی وجود خارجی ندارد؛ هرچند به دروغ، آن را به کتاب مسند احمد نسبت می‌دهند. شخصی به نام حسنی طباطبایی دو دهه پیش این حدیث را جعل کرده است.^۲

نمونه دیگر، حدیثی مشهور بین مردم است مبنی بر اینکه امام زمان ﷺ دین جدیدی می‌آورد. علی محمد باب با استناد به این روایت، دین جدید آورده است؛ در حالی که در هیچ منبع حدیثی، چنین لفظی نداریم. هیچ امامی نفرموده دین اسلام نسخ می‌شود و امام دین جدید می‌آورد.

۶. سوء استفاده از روایات و تطبیق گرایی

مهم‌ترین فرقه‌ای که بیشترین سوء استفاده را از روایات غیبت کرد، «واقفه» بود. آنان ادعا کردند که موسی بن جعفر ﷺ همان مهدی است و در غیبت به سر می‌برد و گزارش شهادت آن حضرت را توجیه کردند.^۳ آنان روایات باب غیبت را نقل و آن‌ها را درباره امام کاظم ﷺ و عقاید خود تأویل می‌کردند. جالب آنکه اولین کتاب‌ها در موضوع «غیبت» به وسیله برخی سران واقفیه و به منظور اثبات مدعای خود درباره غایب شدن امام هفتم ﷺ نوشته شد و در آن، ضمن بیان روایات منقول از امامان، به

۱. خندان، مغالطات، ص ۷۰.

۲. شهبازیان، ره افسانه، ص ۳۵.

۳. نوبختی، فرق الشیعة، ص ۱۱۸.

طرح مسئله غیبت پرداختند.

علی بن حسن طائی^۱ معروف به طاطری و ابن سماعه^۲ هر دو از سران واقفیه هستند و اولین کتاب‌های غیبت را هم این دو نگاشتند. این کتاب‌ها در فاصله پنجاه سال پیش از آغاز غیبت امام دوازدهم نوشته شدند. همچنین «ابن تومرت» از مدعیان مهدویت برای خود نسب نام‌های علوی ساخت تا «مهدی» بودن وی با روایتی که فرموده: «مهدی از عترت من است، یا از اولاد من است»^۳ هماهنگ باشد.

سعد محمد حسن در کتاب «المهدیة فی الاسلام» می‌نویسد:

ابن تومرت بربری لحما و دما و لذلک فنحن ندرجه فی قائمه «المهدیین من غیر آل البیت» و آن اختلق هو لنفسه نسبة عربیة ینتهی به الی علی بن ابی طالب أوالی الرسول نفسه، کی یعتمد علیه - شأن غیره من المهدیین - فی ادعائه «المهدیه» و لکی تؤیده مجموعه الاحادیث المفصلة التي لا تنصر مهدی من غیر آل البیت.^۴

«ابن تومرت» به مردم یادآور می‌شد که ظهور مهدی فرا رسیده است؛ زیرا نشانه‌هایی که شیعه درباره مهدی منتظر نقل کرده، موجود است. ابن تومرت می‌گفت: آن نشانه‌ها به دلیل نام، لقب و انتساب به پیامبر اکرم^ﷺ بر وی صدق می‌کند؛ از این رو ادعای مهدویت کرد. وی گفت: من محمد بن عبدالله هستم و نسب خود را به پیامبر اکرم^ﷺ رساند. او در این باره روایت‌های فراوان نقل کرد تا آنکه مردم باور کردند که این تومرت همان مهدی است.^۵

راهکارهای مقابله با جذب افراد

در هر مکان یا در هر زمانی که جهل و ناآگاهی در بستر جامعه ریشه می‌دواند، بی‌شک عده‌ای نیز برای رفع حوائج روانی، مالی یا سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پا به عرصه گذاشته، با استفاده از این موقعیت، بهره خود را می‌برند. در این میان، دشمنان نیز با حمایت و آماده‌سازی روانی و به خصوص

۱. رک: نجاشی، الرجال، ص ۲۵۶؛ طوسی، الفهرست، ص ۲۷۲.

۲. رک: نجاشی، الرجال، ص ۴۱.

۳. عن رسول الله^ﷺ: «تتملأن الأرض ظلما و عدوانا، ثم لیخرجن من أهل بیتی - أو قال من عترتی - من یملؤها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و عدوانا» (رک: عقد الدرر، ص ۴۰، باب ۱).

۴. سعد محمد حسن، المهدیة فی الاسلام، ص ۱۸۷.

۵. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۱۵.

اقتصادی، کمک شایان توجهی را ابراز می‌دارند، تا آموزه‌های ناب مهدوی رشد نکرده و جامعه را رو به نابودی افکار پوسیده و نابودکننده خود رهنمون نسازند. در این میان، قطعاً راهکارها و اصول درمانی کارسازی وجود دارد که علاوه بر ایمن سازی افکار افراد جامعه در برابر سموم اغیار، به فرهنگ سازی و اعتلای دین الهی مدد رسانده، زمینه‌ساز ظهور مهدوی باشند؛ از جمله:

بهره‌مندی از رسانه و فضای مجازی

اینترنت و فضای مجازی از بدو فراگیر شدن، گستره وسیعی از اطلاعات را در دید همگان، نمایان ساخت و پس از آن، انواع اطلاعات، اعم از صحیح و ناصحیح، خوب و بد با کمترین هزینه در معرض عموم قرار گرفت. پس از آن بود که اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون از این بستر، برای ارائه مطالب مورد نظر خویش بهره بردند. چندی نگذشت که فضای مجازی، بستری برای تقابل و جنگ همه‌جانبه اندیشه‌ها گشت. از آنجا که مذهب حق تشیع به طور عام و عقیده مهدویت به طور خاص، مخالف همه مکاتب و انگاره‌های انحرافی جهان است، هجمه‌ای همه‌جانبه بر ضد اسلام و تشیع و به طور خاص، اندیشه و دکتربین مهدویت در عرصه اینترنت به راه افتاد. امروزه فرقه‌ها در حد توان، می‌کوشند با استفاده از این ابزار، در ترویج عقاید و غلبه فرهنگی خود اقدام کنند. این تبلیغ‌ها ممکن است با یک تماس یا دعوت به مشاهده فیلم و یا عضویت در یک گروه و کانال انجام شود. آن‌ها به ویژه در کمین افرادی هستند که دچار مشکلات روحی یا خانوادگی شده‌اند و شرایط ورود آنان را به فضاهای مجازی و سپس فرقه‌ها و جنبش‌ها فراهم می‌کنند؛ برای نمونه، شخصی به نام (م.گ) از اعضای عرفان حلقه در اعترافات خود بیان می‌کند: چنین القا می‌شد که الهامات پیامبرانه در آن فرقه واقع می‌شود. مدتی تصور می‌کردیم در حالت خلسه، تمام بیماری‌های ما حل شده است و با تبلیغ این امور، گروه بسیار بزرگی در فیس بوک راه اندازی کردیم؛ اما بعدها زندگی برخی از ما و خانواده‌هایمان بر اثر آسیب‌های این جریان نابود شد.^۱

برای مبارزه با ترفندهای مدعیان و جهل افراد، بهترین راهکار، تقویت عقاید و باورهای دینی است. این راهکار، عمومی است و هر انسان متعهدی _ که خود را در معرض تقابل و تهاجم می‌بیند _ باید خود را مجهز به این سلاح کند. راه‌اندازی سایت‌هایی جامع، پویا، به‌روز و چندزبانه پیرامون آموزه

۱. ر.ک: اعترافات یکی از اعضای جدا شده «عرفان حلقه»، استفاده ابزاری از دین در عرفان حلقه، فارس.

مهدویت که بتواند این آموزه را تبیین کرده، تمام شبهات و سؤالات مطرح شده در این زمینه را پاسخ گوید راهکار مهم دیگری است. تربیت تلاشگران آگاه و متخصص مجازی در برابر تهاجم دشمن، دیگر شیوه تقابل است.

منابر

انتقال ارزش‌ها، هنجارها و باورهای یک نسل به نسل بعد و تلاش برای حفاظت از ارزش‌ها در برابر امواج فرهنگ غیربومی و مهاجم در برابر اعتقادات دینی، همواره از دغدغه‌های اصلی نهادهای فرهنگی به خصوص گروه فرهنگ‌ساز مهدویت بوده است. فرایند پیام‌رسانی باید توان مقابله با رسانه‌های مقابل و ترفندهای جریان‌های انحرافی که تحت حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی نیز هستند، داشته باشد. ارتباطات چهره به چهره نقش بسزایی در تأثیر کلام داشته، در کنار فعالیت‌های مدرن رسانه‌ای، نقش پررنگ‌تری را در خنثا کردن ترفندهای مخمل ایفا می‌کند. منابر، مورد توجه مسلمانان و مبلغان دین بوده و علاوه بر ابزاری فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، حتی از قداست برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که در مکان‌های مقدسی چون مسجد، تکیه، حسینیه و... اهمیت این رسانه در آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی مهدوی نمود می‌یابد.

نتیجه

فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی با دور کردن مردم از منابع صحیح اسلامی و نیز متخصصان واقعی تفسیر این متون (عالمان واجد شرایط در دوران غیبت)، سعی می‌کنند مردم را در فضای عاطفی و احساسی محض نگه داشته، آن‌ها را از عقلانیت و خردورزی و اندیشه درمورد دلایل مدعیان، دور کنند. آنان می‌کوشند با خارج کردن رقیب از میدان، سررشته امور معنوی مردم را به دست بگیرند و منافع مادی و غیر مادی را به سوی خود جلب کنند. در این راستا از جعل و تحریف، اتهام و افتراء، شبهات و شایعات و نیز تطبیق و تأویل‌های انحرافی متون مهدوی استفاده می‌کنند. مبلغان دینی می‌توانند با تبیین صحیح موضوعات به مردم کمک کنند. پیشنهاد می‌شود با یک برنامه‌ریزی مدون و علمی و مبتنی بر پیمایش آماری فعالیت فرقه‌ها، برای مقابله با آن‌ها از بستر فضای مجازی با تولیدات چندرسانه‌ای برای محو تبلیغات آن‌ها استفاده شود.

۱. ابوالحسنی منذر، علی، **تاسیس شرکت اسلامیہ**، کیهان، شماره ۱۸۸۶۰.
۲. اسحاقیان درچه، جواد، **پیچک انحراف**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۷.
۳. اسحاقیان، جواد و حیدری چراتی، حجت، «**تشیع انگلیسی را با این صفات بشناسیم**»، خبرگزاری فارس.
۴. بصری، احمد اسماعیل، **العجل**، انصار امام مهدی، بی جا، بی تا.
۵. حسن ابراهیم حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بدرقه جاویدان، ۱۳۸۹.
۶. خندان، علی اصغر، **مغالطات**، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۰.
۷. رائین، اسماعیل، **فراموشخانه و فراماسونری در ایران**، امیر کبیر، ۱۳۵۷.
۸. سعد محمد حسن، **المهدیة فی الاسلام**، دار الكتاب العربی، مصر، ۱۳۳۳ق.
۹. شهبازیان، محمد، **ره افسانه**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۷.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، اسلامیہ، بی جا، ۱۳۷۸ق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، **الفهرست**، نشر الفقاہة، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. عظیمی، کاظم، **درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن**، مجله دین و ارتباطات، شماره ۳۷، ۱۳۸۹.
۱۳. قربانپور آرانی، حسین و حیدری رامشه، ناهید، **از کرامات تا خرافات (با تأکید بر اسرار التوحید و مقامات ژنده پیل)**، مجله ادیان و عرفان، دوره ۴۷، شماره ۲.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، دارالتعاریف، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد و جمعی از پژوهشگران، **دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه قرآن، تاریخ و حدیث**، دار الحدیث، قم، ۱۳۹۳.
۱۷. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن، یحیی، **عقد الدرر**، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۸ق.
۱۸. موسسه عرفان کیهانی (تحت اشراف محمدعلی طاهری)، **نتیجه امواج تهاجم علیه هوشمندی مثبت الهی**، بی جا، بی تا.

۱۹. نجاشی، احمد بن علی، **فهرست اسماء مصنفی الشيعة (الرجال)**، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. نوبختی، حسن بن موسی، **فرق الشيعة**، ترجمه محمدجواد مشکور، بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۵۳.
۲۱. واحد نشر اسناد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، **نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه**، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰.
۲۲. یعقوبی، علی، **چهل شب با کاروان حسینی (مجموعه سخنرانیهای علی یعقوبی محرم ۱۴۲۲)**، نشر دفتر جشنواره به سوی ظهور (انتظار)، ۱۳۸۰.

